

رئیس‌جمهور:

دولت همچنان پیگیر رفع فیلترینگ است

وی با بیان اینکه دولت به دنبال ایجاد نگاه مشترک با دیگر نهادهای حاکمیتی دربارهٔ رفع فیلترینگ است، بر ضرورت تسریع در اجرای مصوبه جلسه شورای عالی فضای مجازی و تشکیل کارگروه ویژه به منظور بررسی ابعاد مختلف این موضوع، رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌ها در این زمینه و ارائه نتیجه به جلسه بعدی این شورا برای تصمیم‌گیری نهایی تأکید کرد. به گزارش ایسنا، وی در بخش دیگری از اظهاراتش گفت: «نتایج ارزیابی‌های علمی و تحلیل اثرات اجتماعی فیلترینگ نشان می‌دهد که هیچ یک از اهداف این طرح محقق نشده بلکه مضرات و مشکلات دیگری نیز ایجاد کرده، اما تعجب‌آور است که ما همچنان نسبت به ادامه این روند پرضرر و بی‌نتیجه اصرار داریم».

رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه طرح دولت برای رفع فیلترینگ به معنای رها کردن فضای مجازی نیست، بلکه موجب توسعه و تقویت حکمرانی و استفاده بهینه مردم از آن خواهد شد، افزود: «بنای دولت توسعه آموزش و تولید محتواهای فرهنگی به ویژه برای نوجوانان و جوانان و نیز افزایش خدمات دولتی بر بستر شبکه‌های اجتماعی است که منجر به استفاده بهینه از اینترنت خواهد شد».



رئیس‌جمهور در جلسهٔ هیات دولت گفت: «فیلترینگ قرار بود مشکلی را از کشور حل کند اما علاوه بر بدتر کردن شرایط، موجب ایجاد رانت‌خواری در فروش فیلترشکن و ایجاد نارضایتی برای مردم نیز شده است». مسعود پزشکیان افزود: «طرح دولت برای رفع فیلترینگ به معنای رها کردن فضای مجازی نیست، بلکه موجب توسعه و تقویت حکمرانی و استفاده بهینه مردم از آن خواهد شد».

وزیر نیرو:

همه نیروگاه‌های کشور آماده تولید حداکثری برق هستند



کرد و گفت: دولت برای رفع مشکلات و ایجاد وضعیت مطلوب در حوزه‌های مختلف از جمله بخش انرژی، اراده جدی دارد. عصر امروز با حضور وزیر نیرو پست دائم ۴۰۰ کیلوولت شهید هاشمی با ۶۳۰ مگاوات آمپر ظرفیت و ۱۲ فیدر خروجی ۱۳۲ کیلوولت به همراه خط ۱۳۲ کیلوولت شهید هاشمی - شبیان به طول ۲۶ کیلومتر مدار افتتاح شد. براساس این گزارش، ۹ پروژه پست و خط شرکت برق منطقه‌ای خوزستان با ارزش سرمایه‌گذاری سه هزار و ۸۱۳ میلیارد تومان به صورت همزمان به بهره‌برداری رسید.

همچنین با بهره‌برداری از این ۹ پروژه، ۹۱۷ مگاوات آمپر به ظرفیت پست‌ها و ۳۴۰ کیلوولت مدار به طول شبکه اضافه شده است. ظهر امروز نیز با حضور وزیر نیرو عملیات اجرایی احداث فاز اول نیروگاه خورشیدی ۲۰۰ مگاواتی با نظارت شرکت برق منطقه‌ای خوزستان و سرمایه‌گذاری شرکت فولاد خوزستان در بهبهان آغاز شد.

سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی کرمان:

اقدامات شهرداری‌ها در زمینه ساماندهی سگ‌های بلاصاحب کافی نیست

می‌شود. بخش عمدهٔ وظایف این طرح بر عهده شهرداری‌ها و شوراهای شهر است و باید در عقیم‌سازی، جمع‌آوری و نگهداری این حیوانات اقداماتی انجام دهند که البته با توجه به حجم مشکلی که وجود دارد اقدامات انجام شده کافی نیست».

وی همچنین اظهار کرد: «کمبود سرم ضد هاری در کرمان محسوس است. در این شرایط، توصیه می‌شود افراد از انجام اقداماتی که منجر به حیوان‌گزیدگی می‌شود خودداری کنند».

به گزارش ایرنا، وی در ادامهٔ اظهاراتش بیان کرد: «دلیل کمبود ایمونوگلوبولین یا سرم ضد هاری در کرمان هزینه‌های زیاد تولید این دارو و تولید محدود آن است».

وی با تأکید بر اینکه کودکان و جوانان از نزدیک شدن به حیواناتی مانند سگ و گربه خودداری کنند، اظهار کرد: «افراد در صورت گازگرفتگی توسط حیوانات به طور حتم به مراکز پیشگیری از هاری مراجعه داشته باشند». سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی کرمان توضیح داد: «بیمارستان‌ها در شهر کرمان به صورت شبانه‌روزی و رایگان به افرادی که توسط حیوانات گزیده شده‌اند ارائه خدمت می‌دهد و در شهرستان‌ها نیز بیمارستان‌ها این خدمات را انجام می‌دهند».



سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی کرمان با بیان اینکه با افزایش موارد حیوان‌گزیدگی در استان روبه‌رو هستیم، گفت: «سالانه به طور متوسط به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در میانگین کشوری، حدود ۴۳۰ نفر مورد گزش حیوانات قرار می‌گیرند که این آمار در کرمان بالای ۴۸۰ نفر و بیش‌تر از میانگین کشوری است». سعید صحبتی افزود: «تدبیر برای مهار سگ‌های ولگرد، اقدامی بین‌بخشی است که براساس دستورالعملی با عنوان ساماندهی حیوانات بلاصاحب انجام

سر مقاله

ما و آمریکای غیر لیبرال



نویسنده: رئیس / کاندیدای دکترای اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف

زمانی که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به قدرت رسید بهت، جهان و ایران را فرا گرفت. این بهت تنها از آن رونمود که «پوپولیسم اقتدارگر» در یک کشور غربی به قدرت رسیده بود. مدت‌ها بود که نارضایتی از لیبرال دموکراسی و گرایش به پوپولیسم اقتدارگر در اروپا و ایالات متحده روندی صعودی داشت. بلکه آنچه پیروزی دونالد ترامپ را خاص می‌کرد، این تناقض بود که انگاره‌ای «غیرلیبرال» رداي قدرت‌رادر کشوری که در همه‌سال‌های پس از جنگ جهانی دوم جایگاه رهبری و حفاظت از «جهان لیبرال» را در اختیار داشت بر تن کرده بود. با تکرار تاریخ در انتخابات ۲۰۲۴، بهت محسوس پیشین این بار جای خود را به ترکیبی از خوش‌بینی و بدبینی داده است. ما چگونه باید در میانه خوش‌بینی و بدبینی با دولت دوم دونالد ترامپ مواجه شویم؟ در سال ۲۰۱۶، بسیاری در واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی معتقد بودند که اقتدارگرایی پوپولیستی دونالد ترامپ پدیده‌ای اپیزودیک است، به این معنی که به‌جای شکل‌دهی به دوره‌ای جدید، تنها قادر به خلق لحظه‌هایی گذر است. این دیدگاه در تهران نیز طرفدار داشت و چنین به‌نظر می‌رسید که نظام حکمرانی براساس همین نگرش، با تاکنیک تعلیق سیاست خارجی در قالب دستورکار نه جنگ‌و نه مذاکره، پرداخت‌هزینه‌های بالایی اقتصادی «فشار حداکثری» دونالد ترامپ را تحمل کرد. گرچه دلیل گزینش این رویکرد تعلیقی را می‌توان براساس نگاه پیش گفته و نیز این واقعیت که این ایالات متحده بود که زیر میز پر جام زده بود تا حدی توجیه کرد، اما شگفت‌انگیز آنجا بود که در یک ناسازگاری زمانی، در «بزنگاه بحرانی» اتمام ایپیزود پوپولیسم در واشنگتن سیاست خارجی تهران از تعلیق خارج نشد و ماه‌عسل چهارساله ریاست‌جمهوری جو بایدن در چشم برهم‌زدنی به اتمام رسید.

تجربه دوره اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ موجب شده است تا انتخاب مجدد او، هم در ایران و هم در جهان، با طیفی از واکنش‌های خوش‌بینانه و بدبینانه همراه شود. رهبران اقتدارگرایی همچون ولادیمیر پوتین از قدرت‌گیری مجدد او باورنی باز استقبال کرده‌اند، حال آنکه لیبرال‌های آمریکایی و اروپایی با برقی نگرانی در چشم نظاره‌گر سیر رویدادها هستند. در ایران نیز برخی با تأکید بر رویکرد پراگماتیستی و تا حدی کاسب‌کارانه دونالد ترامپ در سیاست خارجی، مرزهای خوش‌بینی را آنجا گسترش می‌دهند که از دوره دوم ریاست‌جمهوری او به عنوان فرصتی تاریخی برای حل منازعه چنددهه‌ای ایران و آمریکا سخن می‌گویند؛ در همین حال، برخی دیگر با بدبینی نسبت به امکان پذیرش تغییرات راهبردی در سیاست خارجی کشور، نفع‌انگاران بازگشت و تشدید فشار حداکثری، بلکه هراسان از سایه جنگ هستند. چنانچه پی‌پذیریم انگاره‌ها، فراولیت‌هایی هستند که موضوعات بحث‌برانگیز در یک زمان خاص را قالب‌بندی می‌کنند، انگاه فهم دلایل مختصات این «ایسم‌ها» می‌توانند در تعیین شیوه صحیح مواجهه با آنها اثرگذار باشد.

پوپولیسم اقتدارگر از اغلب به بیماری لیبرال دموکراسی تشبیه می‌شود؛ اما این بیماری کجا را هدف می‌گیرد؟ در رایج‌ترین تعریف، پوپولیسم انگاره‌ای است مبتنی بر دوگانه اتنارکونیستی «مردمان خوب» در برابر «دیگران بد». بر این مبنا، گرچه تأکید پوپولیست‌ها بر پیاده‌سازی «اراده عمومی» معمولاً نوعی تئاتر دموکراسی است، اما آنها را نمی‌توان لزوماً ضد دموکراسی دانست. با این حال، فراولیت ذیل پوپولیسم اقتدارگرایی غربی عمیقاً غیرلیبرال است. تمایز میان دموکراسی و لیبرالیسم از جمله موضوعات کلیدی است که اغلب بدست کم‌گرفته می‌شود. دموکراسی، فرایندی برای انتخاب رهبران بوده و مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشتشان مرتبط است؛ اطلاق صفت دموکراتیک به یک دولت، دلالت اندکی در مورد قواعد حاکم بر هدایت سیاست داخلی و خارجی و قیود آن به‌دست می‌دهد.

انگاره لیبرالیسم، در نقطه مقابل، ناظر بر هنجارهایی است که قدرت و روابط سیاسی را در داخل و خارج محدود می‌کنند: لیبرالیسم در داخل از آزادی‌های اساسی فردی، کثرت‌گرایی، چندفرهنگ‌گرایی و بازارهای رقابتی و آزاد و در خارج از حقوق بشر، همکاری‌های بین‌المللی، حرکت آزادانه دانش‌ها و نیروی کار و سرمایه حمایت می‌کند. پوپولیسم اقتدارگر نقطه مقابل انگاره لیبرالیسم است و در داخل، بازگشت به ارزش‌های سنتی و در خارج، جایگزینی جهانی‌شدن با ملی‌گرایی را دنبال می‌کند. مهم کردن حامیان مهاجرت، تجارت آزاد و جهانی‌شدن به‌دشمنی با مردم در لفاظی‌های دونالد ترامپ از همین محوریت ملی‌گرایی در انگاره پوپولیسم اقتدارگرانه‌اش می‌شود.

چنانچه پی‌پذیریم مهم‌ترین عارضه پوپولیسم اقتدارگر تخفیف «دستورکار لیبرال» و جایگزینی آن با ملی‌گرایی است، حسن زدن دلیل شکل‌گیری دوگانه خوش‌بینی بدبینی در واکنش به پیروزی مجدد دونالد ترامپ چندین دشوار نیست. می‌توان به عنوان یک آزادی‌خواه از فروریختن حفاظ ارزشی لیبرال دموکراسی ناخوشود و حتی ناامید بود، اما نمی‌توان کتمان کرد که فاصله‌گیری ایالات متحده از التزام به ارزش‌های لیبرال و تمرکز بیشتر این کشور بر منافع، در عمل فرصت‌هایی را برای کشورهای که در خارج از چارچوب نظم لیبرال جهانی قرار داشته یا منتقد و مخالف این نظم بوده‌اند، فراهم می‌آورد.

تمایل برخی از شناخته‌شده‌ترین رهبران اقتدارگرایی جهان به پیروزی دونالد ترامپ از همین مسیر قابل درک است: در غیاب دستورکار لیبرالی در ایالات متحده، بخش بزرگی از روابط بین‌الملل به حوزه‌هایی از دادوستدهای غیرمشرط به‌نظام ارزش‌های لیبرال فروکاسته می‌شود. این امر به آن معنی نیست که «دیگران بد» به جایگاه دوستی با ایالات متحده ارتقا می‌یابند، بلکه به معنای آن است که دونالد ترامپ همچون گذشته تلاش خواهد کرد در چارچوب بده‌بستان‌های - گاه حتی سست- مبتنی بر منافع عمدتاً اقتصادی، روایتی ملی‌گرایانه و قهرمانانه را از مهار کم‌هزینه دیگران توسط خود به جامعه آمریکایی عرضه کند. البته نباید از نظر دور داشت که خلق این روایت مهار همچنان می‌تواند به‌وسیله رنج ناشی از به‌کارگیری زور در جهت تحریم‌های اقتصادی و حتی آسیب‌های نظامی انجام شود.

نگاهی به پویایی‌های روابط بین‌الملل در دوره اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نشان می‌دهد تنها کشورهایی توانستند از آوردگاه‌های اقتصادی-سیاسی آن دوره به سلامت عبور کنند که به‌رغم شکاف‌های عمیق بین خود و ایالات متحده، از ورود به بده‌بستان‌های سیاسی با این کشور خودداری نکردند و دست کم تا جایی منافع متقابل را به رسمیت شناختند. بر همین منوال، دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ تنها در صورتی می‌تواند فرصتی برای تنفس کشورمان فراهم‌آورد که پی‌پذیریم راهبرد سیاست خارجی معلق پیشین با «منافع ملی» در تضاد بوده است. استفاده از شکاف‌های احتمالی دوسوی اتلانیک-حمایت‌کننده سیاستی بی‌جاست، اما پازل روابط خارجی باید همچنان فراتر از خوش‌بینی و بدبینی، با نگاهی واقع‌گرایانه به روابط با آمریکا تکمیل شود؛ بین صفر و یک، فضای فراخ‌ای از بازی‌های امکان‌پذیر با حاصل جمع مثبت وجود دارد که می‌توان در صورت تصمیم‌گیری سیاسی از آن بهره گرفت.

به عنوان نکته پایانی باید توجه کرد که قدرت‌گیری پوپولیسم اقتدارگر در جهان غرب می‌تواند تنها یک میان‌برده در نمایش سیاست جهانی نباشد، بلکه ممکن است به دلیل ریشه‌های عمیق اجتماعی موفق شود با جایگزینی همگرایی پس از جنگ جهانی دوم با واگرایی، مهم‌ترین رخدادهای سیاسی-اقتصادی پس از پایان جنگ سرد را رقم بزند. کشور ما فرصت‌های دوره همگرایی را با گزینش انزوای از دست داد و از قافله توسعه‌نهادر سطح جهان، بلکه در منطقه جاماند. این نظام حکمرانی اکنون شجاعت پذیرش تغییرات راهبردی و استفاده از فرصت‌های احتمالی دوره واگرایی را دارد؟